

# هنر زرگری و زرگران در دوره صفوی

کوروش فتحی<sup>۱</sup>

## چکیده

یکی از دوره های مهم تاریخ ایران در مورد سیر هنر و تکامل آن، دوره ی صفوی می باشد. ایجاد امنیت نسبی، تشویق و گاه هنرمندی حکام صفوی و ارتباط مستمر با جهان غرب و شرق در این فرآیند نقش اساسی داشت .

هنر زرگری یکی از گمنامترین هنرها در تمامی دوران تاریخی ایران می باشد. دلیل این امر کاربرد متنوع طلا و نقره، آب کردن چند باره اشیاء طلایی و نقره ایی و آسیب های طول زمان به این آثار می باشد. با این حال هنرمندان زرگر ضمن داشتن تکنیک های خاص خود در حیات سیاسی و فرهنگی دوره ی صفوی نقش قابل اعتنایی داشته اند. پرسشی هایی که این پژوهش در پی پاسخ آنها است اینست که: نقش و اهمیت زرگری و زرگران در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران دوره صفوی چه بود؟ و هنر زرگری در این دوره چه تحولاتی را تجربه کرد؟ در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش تحقیق تاریخی و با تاکید بر مطالعه روندی، جایگاه زرگری و زرگران در حیات اجتماعی و اقتصادی دوره صفوی شناسایی شود.

**واژگان کلیدی:** زرگری، زرگر، دوره صفوی، هنرهای تزئینی.

---

<sup>۱</sup> ( استادیار گروه تاریخ دانشگاه فرهنگیان Email: k.fathi@cfu.ac.ir

## مقدمه

مده زر بی گرو گریپادشاهی

که دشمن گرددت گریباز خواهی

(ناصر خسرو)

یکی از ویژگی های مهم دوره ی صفوی، رشد هنرایران می باشداین امر از یک سو از گذشته ی تاریخی و هنری جوامع اسلامی و شرقی تغذیه می نمود و از دیگر سو با تحولات هنری غرب امتزاج یافت. این امتزاج دلایل و انگیزه های متعددی داشت که لوازم آن در دوره ی شاهان صفوی فراهم آمد.

زرگری هنری است تا حدودی مهجور و در عین حال مهم و شاید در حیات چند هزار ساله ایران به علت یکنواختی مواد ومصالح و شیوه ی آموزش آن شاهد کمترین تحولات بوده و آثار زرگری ایران از حیث تکنیک ساخت دارای حداقل تحول و از نظر تنوع نقوش و طرح دارای بیشترین تنوع و تحول بوده است. یکی از دشواری های تحقیق در زمینه ی هنر به ویژه هنر زرگری کمبود منابع و اطلاعات تاریخی و از میان رفتن آثار مربوط به آن هنر است که این مسئله در مورد زرگری به واسطه ی ثابت بودن ارزش طلای کهنه و نو و آب شدن چندین باره آثار زرین برای خلق آثار جدید، بسیار بغرنج تر است.

هر چند تحقیق در مورد تکنیک و آثار زرگری دشوار است اما یافتن جایگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صنف زرگران در تاریخ ایران خصوصاً در دوره صفوی که هم منابع داخلی بدان اشاره کرده اند و هم منابع خارجی بیشترین توجه را بدان داشته اند، کاری سهل است چرا که علاوه بر اشاره ی منابع، صورت بندی اقشار اجتماعی در دوره ی صفوی مشخص تر از ادوار تاریخی گذشته است.

پژوهش حاضر با دو هدف فراهم آمده است اول بررسی تکنیک ها و آثار زرگری ایران در دوره ی صفوی و دوم یافتن جایگاه سیاسی و اجتماعی صنف زرگران در جامعه ی ایران دوره ی

صفوی. بنابراین دو پرسش اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱- نقش و اهمیت زرگری و زرگران در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران دوره صفوی چه بود؟ ۲- هنر زرگری در این دوره چه تحولاتی را تجربه کرد؟

### الف) اصول و مبانی هنر زرگری در دوره ی صفوی

از قرن ششم هجری مکاتب هنری متعددی در جهان اسلام به وجود آمد. در آستانه ی تاسیس سلسله ی صفوی دو مکتب بزرگ هنری یکی در غرب و دیگری در شرق ایران وجود داشت: **مکتب تبریز** که به ترکمانان خصوصاً آق قویونلوها اختصاص داشت و **مکتب هرات** که به تیموریان اختصاص داشت. تبریز در ۹۰۷ ه. ق. و هرات در سال ۹۱۶ ه. ق. به دست شاه اسماعیل صفوی موجب تلفیق این دو مکتب شد و مکتب جدیدی به نام **مکتب تبریز صفوی** به وجود آمد. با انتقال پایتخت در دوره ی **شاه تهماسب اول** (۹۸۲-۹۳۰ ه. ق.) به قزوین این مکتب نیز رهسپار آنجا شد و با نام **مکتب قزوین** و پس از آن با انتقال پایتخت به اصفهان در دوره ی **شاه عباس اول** (۱۰۳۸-۹۹۶ ه. ق.) **مکتب اصفهان** به وجود آمد. پژوهش دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۰، صص ۴۹۹-۴۹۶).

جنگ چالدران بر تاریخ هنر تاثیر چشمگیری داشت **مکتب استانبول** بعد از نبرد چالدران (۹۲۰ ه. ق.) بوجود آمد چرا که سلطان سلیم عثمانی تعدادی از هنرمندان و از آن مهمتر کتابخانه و آثار هنری عمده‌ایی را از تبریز با خود به استانبول برد و لذا مکتب استانبول با الهام قطعی از مکتب تبریز شکل گرفت. (زکی، ۱۳۲۰، ص ۲۶۶)

از سوی دیگر سیاست مذهبی خشن شاه اسماعیل صفوی موجب مهاجرت علما و هنرمندان زیادی به خارج شد. بخش عمده ای از این هنرمندان مهاجر، متوجه دربار گورکانیان در دهلی شده و **مکتب هندی** یا **گورکانی** را بوجود آوردند. بنابراین در ابتدای حکومت صفویه به سبب تلاش های آگاهانه و

ناآگاهانه ی حکام صفوی، نوعی تبادل فرهنگی و هنری خصوصاً در سبک های هنری در شرق و غرب عالم اسلام شکل گرفت که مدیریت و سررشته این تبادل، ایران صفوی بود.

به تدریج از دوره **شاه تهماسب** و به ویژه در دوره **شاه عباس اول** به واسطه ی رنسانس اروپا جهت تبادل فرهنگی و هنری تغییر یافت. این بار تبادل فرهنگی میان شرق و غرب عالم بوجود آمد و صفویان در این روند نقش اساسی داشتند. آمدن جواهر سازان اروپایی به ایران از دوره ی شاه عباس اول به بعد (شوستر والسر ۱۳۶۴، ص ۶۳) این تبادل را بیشتر نمایان می سازد. در مجموع ویژگی بارز مکاتب هنری عصر صفوی تبادل در سه جهت می باشد: ابتدا تبادل در داخل مرزهای ایران تاریخی (تلفیق مکاتب هرات و تبریز و ایجاد مکتب تبریز صفوی) بعد با فاصله ی زمانی اندکی، تأثیر بر مکاتب هنری استانبول و گورگانی در داخل جهان اسلام و در نهایت تبادل در وجه جهانی میان شرق اسلامی و غرب مسیحی.

نکته ای که در مورد غفلت محققان از زرگری و هنر زرگران عصر صفوی باید یادآور شد مهجوریت این هنر در بیشتر ادوار تاریخی ایران بطور کلی و عصر صفوی بطور مشخص می باشد. این امر ناشی از رویکرد متفاوت صفویان به مقوله ی هنر می باشد. در حالی که هنرهای زیبا مانند نقاشی، مینیاتور و کتاب آرایی به سبب ارتباط با اروپا و علاقه ی خاص سلاطین صفویه تحولات چشمگیری به خود دید اما در هنرهای کاربردی مانند فلز کاری، علیرغم علاقه ی و افر سلاطین صفوی به ظروف و ابزار طلایی و نقره ای، تحول خاصی بروز نکرد تا جایی که یکی از ناظران اروپایی در مورد زرگران ایرانی می گوید: «... زرگرها کار را فوق العاده زیبا انجام نمی دهند...» (کارری، ۱۳۴۸، ص ۱۴۸) به گفته **تاورنیه**: «... زرگرهای ایرانی بد کار می کنند؛ صنعت زرگری هیچ جلوه و ترقی ندارد مگر نوعی ملیله کاری که بهتر از سایر کارهای زرگری آنها است» (تاورنیه، ۱۳۳۶، ص ۶۰۰) البته گرایش شاهانی چون **شاه تهماسب** به هنرهای دیگر مانند نقاشی نیز در این مهجوریت بی تأثیر نبوده است چنانچه نقل شده است: «خود شاه تهماسب یک یا دو صحنه از دیوارهای ایوان چهلستون را در قزوین نقاشی

کرده است...» (پژوهش دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۰، ص ۵۱۴) با اینحال زرگری یکی از الزامات دربار صفوی بود و اصلی ترین دلایل این امر عبارت بود از:

(۱) ایجاد روابط با دربارهایی که ارسال هدایا برای آنان الزامی بود، در این امر نوعی رقابت نهانی وجود داشت. خصوصاً دربار دهلی و استانبول و اروپا. غالب هدایا ابریشم و جواهرت بود. صاحب عالم آرای عباسی در بیان هدایای شاه عباس اول به محمد سلیم جانشین جلال الدین محمد اکبر سلطان هندوستان می گوید: «از جمله تحف و هدایا که برسم ارمغانی فرستاده شد... یک هزار و پانصد عدد اقمشه نفیسه از مخمل زربفت طلا باف و نقره باف و زربفت و دیبای زیبای طلا و نقره و چهار زرعی زرباف و...» (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۷۸۳) البته در مناسبات داخلی حکام ایران با دربار صفوی نیز باز اولویت با هدایای زرین و سیمین بود نطنزی در بیان استقبال امیر خان حاکم آذربایجان از سلطان محمد خدا بنده می گوید: «و خان والا گهر بار دیگر در صدد کشیدن پیشکش و ساوری در آمده خرمنها از نقود ابیض و احمر زواهر جواهر بیحد و مر و نفایس اجناس بی قیاس و اسبان تازی نژاد مرصع زین زرین لجام و کمر شمشیرهای مذهب ساز، مرصع نیام و اشتران کوه شکوه باجله‌های زربفت و مخمل و...» (افوخته ای نطنزی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۵)

(۲) زرگری در خدمت عظمت بخشی دربار و ثروت شاه، درخشش طلا و نقره مسلماً ابزاری برای نمایاندن قدرت، ثروت و عظمت دربارها در طول تاریخ بوده است. الثاریوس در توصیف تشریفات دربار شاه صفی می گوید: «... ظرف بزرگ زرین نیز برای نوشیدن شراب با فاصله کنار هم چیدند و بیش از سیصد کوزه زرین شراب خالی کردند و برای به نمایش گذاشتن به گوشه یی گذاشتند. هرگاه که انسان روی خود را بر می گرداند چیزی جز طلا نمی دید ...» (الثاریوس، ۱۳۶۳، ص ۱۹۸)

(۳) استفاده از زرگری برای تقدس بخشی و با عظمت نمایاندن ابنیه و مزارات مذهبی و خاندانی. الثاریوس مقبره ی شیخ صفی الدین اردبیلی را چنین توصیف می کند: «... شبکه ضریح تماماً از لوله های قطور از جنس طلای ناب ساخته شده بود و از پشت آن مقبره شیخ صفی دیده می شد... بالای مقبره چند چراغ لامپای طلا آویزان بود و در طرفین آن دو شمعدانی بلند زرین ... در طلایی ضریح قفل بود...» (همان، ص ۱۲۸) اسکندر بیگ ترکمان نیز وقتی از آثار زمان شاه تهماسب اول یاد می کند، می گوید: «... از آثارش ... مطلا گردانیدن گنبد مبارک (بارگاه امام رضا) میل طلای سر گنبدو...» (ترکمان، ج ۱، ص ۱۲۴)

صفویان خود را متولیان مذهب شیعه و حتی دین اسلام می دانستند ، لذا برای اثبات این قضیه و نیز مشروعیت بخشی به ادعاهای خود، خصوصا که ناظران خارجی نیز گاه و بیگاه از این مزارات دیدار می کردند، زینت بخشی ابنیه‌ی مذهبی در داخل و خارج کشور را جزو برنامه های خود قرار دادند. اشارات مولف **عالم آرای شاه اسماعیل** در مورد ورود شاه اسماعیل به مشهد مقدس بعد از سرکوب ازبکان (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹، ص ۳۴۷) و توضیحات **سید حسن بن مرتضی** در مورد مطلا کردن گنبد حرم امام علی (ع) ( سید حسن بی مرتضی حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴، ص ۱۳۸) نمونه‌هایی از این امر است. شاه تهماسب برای مطلا نمودن بارگاه امام رضا (ع) « امر فرمودند که از طلا مرتب سازند لذا طلای خالص وزر نقد آنچه برای او می بایست از خزانه عامره داده مجموع آن گنبد را از سطح تا قبه به خشت طلا مرتب ساخته عبرت گنبد فیروزه فام فلک گردانیدند ... » (عبدی بیگ نویدی شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۷۵)

(۴) **علائق شخصی شاهان به هنر زرگری، تاورنیه ضمن اشاره به علاقه ی شاه عباس دوم به نقاشی از او به نام طراح جواهرات نیز یاد می کند.** (تاورنیه، ص ۴۹۱)

(۵) **علاقه شاهان صفوی به اسب و تزئین آن، به گفته سانسون مبلغ مسیحی فرانسوی، شاه سلیمان صفوی علاقه شدیدی به تزئین زین و یراق اسبانش داشت: «هر یک از این اسب ها به قدر یک خزانه پر از جواهر ارزش دارند زیرا رکاب های این اسب ها همه از طلا است، دهنه ها و سینه بندها و قسمت های جلو عقب زین ها نیز همه از طلا است ... هر یک از این اسب ها ... در جلوی خود ... دو طشت طلا دارند ... »** (سانسون، ۱۳۴۶، صص ۸۲-۸۳)

محدودیت تاریخی و طبیعی این صنعت که ناشی از کمبود معادن طلا و نقره در ایران در طول تاریخ بود در دوره صفوی بیشتر نمود یافت. « ... در ایران معادن طلا و نقره هم یافت می شود که در قدیم الایام در آن کار کرده‌اند شاه عباس کبیر هم خواست استخراج آن را تعقیب نماید اما خرجش بیش از دخلش می شد از این خیال منصرف گردید، ... بنابراین تمام طلا و نقره ایران از ممالک خارجه می آید خصوصا اروپا ... » (تارونیه، ص ۳۶۴) و (در مورد معادن طلا و نقره ایران: کارری ص ۳۶) بنابراین طلا و نقره را از اروپا، حبشه، جزیره سوماترا، پرو (فقط نقره) و چین وارد می کردند به

علاوه از ژاپن طلا و نقره را در عوض ابریشم می‌آوردند. (تاورنیه، صص ۵۴۰-۵۴۴) این امر مسئله‌ای شد که یکی از فرانسویان حاضر در دربار با فریب صدر اعظم شاه عباس دوم، محمد بیگ اعتماد الدوله، به بهانه ی کشف و استخراج معادن طلا و نقره مدت ده سال از دربار موجب هنگفت دریافت نماید و هیچ کار قابل توجهی انجام ندهد. (همان، ص ۵۴۴) این وابستگی در مجموع موجب محدودیت در تکنیک و روش کار زرگران در سیر تاریخی این هنر در ایران شد.

### ب) تکنیک‌ها و آثار زرگری در عصر صفویه

نمونه‌های آثار فلز کاری بر روی فلزات ارزشمند نظیر طلا و نقره از دوران صفوی بسیار معدود هستند و به ندرت در منابع از آنها یاد شده است «چون این نوع آثار غالباً برای تغییر شکل و طرح دوباره آب می‌شده است نمونه‌های خیلی کمی از آن به ما رسیده است.» (زکی، ص ۲۶۷) همچنین در مواردی چون نیاز مالی در مواقع جنگ این آثار در معرض نابودی قرار می‌گرفت.<sup>۱</sup> با اینحال از معدود آثار به جا مانده از زرگری دوره ی صفوی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

«۱- یازده پلاک طلا که اشعار فارسی بر روی آنها به خط نستعلیق نوشته شده است. این نوشته‌ها اثر **علیرضا عباسی** می‌باشند که توسط شاه عباس اول برای تزئین مسجد امام رضا در مشهد سفارش داده شده بود.

۲- اشیای کوچک از فلزهای گرانبها که **مایر**<sup>۲</sup> در کتاب فهرست فلز کاری بدان اشاره کرده است از جمله یک جام سیمین متعلق به سال ۱۰۶۳ ه. ق که سازنده آن **تقی گیلانی** است و نیز کاسه‌ای با لبه نقره‌ای که تاریخ ۱۱۳۰ ه. ق را دارد و به وسیله ی **یارمحمد** ساخته شده است.

۳- گنبد مسجد امام رضا در مشهد که از ورقه‌های طلا پوشیده شده است. ساختن این گنبد را شاه سلیمان سفارش داده بود این ورقه‌های طلا در بسیاری از قسمت‌های دیگر مرقد امام رضا دیده می‌شود: در قسمت‌های فوقانی ایوان و دو گلدسته ی آن. بنابر نوشته‌های موجود **نادر قلی** والی خراسان دستور طلا کاری دو گلدسته و طاق مسجد را در سال ۱۱۴۶ ه. ق داده است. طلا کاری طاق مسجد اثر **محمد طاهر** فرزند **میرزا مسیح شیرازی** است.

<sup>۱</sup> مانند اشاره اسکندر بیگ به ذوب کردن ظروف طلا و ضرب سکه در جنگ شاه عباس اول با ازبکان (ترکمان، ج ۲، ص ۴۵۴)

<sup>۲</sup> Mayer

۴- گنجینه‌ی ظروف فلزی در دیوان شاه عباس و جانشینان او که سیاحان اروپایی نظیر دلاواله و

التاریوس را شگفت زده کرده است.» (ویژه نامه روزنامه ایران، ۱۳۸۱، ص ۳۶)

۵- اشیاء فولادی از قبیل کمر بند و لوحه و نشان دارای تزئینات تو باز که گاهی با طلا و نقره ترصیع

شده است... یکی از کمر بندهای موجود در موزه‌ی **توپقاپوسرای** نام شاه اسماعیل اول و تاریخ ۹۱۳

ه.ق را دارد و نیز بطری‌های نقره که با طلا ترصیع شده و بعضی با جواهرات و سنگ‌های قیمتی مانند

یاقوت و فیروزه و زمرد زینت یافته‌اند. (دیاموند، ۱۳۶۵، ص ۱۵۳)

در مورد تکنیک های کار زرگران ایرانی، همان طور که پیشتر اشاره شد، در حدی نبوده است که

توجه جهانگردان خارجی خصوصا افرادی چون **شاردن** که خود جواهر شناس و جواهر فروش بوده و

یا **تاورنیه** را به خود جلب کند. اما با مرور منابع داخلی و خارجی می توان به هنر و تکنیک کار

هنرمندان زرگر در این دوره تا حدودی پی برد که به بخشی از آن اشاره می گردد:

**هنر کتاب آرایبی:** در فرمان شاه اسماعیل درباره ی **کمال الدین بهزاد** که او را به منصب کلانتری

کتابخانه‌ی همایون منصوب کرد آمده است: «... حکم فرمودیم که منصب استیفا و کلانتری مردم

کتابخانه‌ی همایون و کاتبان و نقاشان و مذهبان و جدول کشان و حل کاران وزر کوبان و لاجورد شویان

و سایر امور مذکوره منسوب باشند در ممالک محروسه مفوض و متعلق بدو باشد.» (نوایی، ص ۳۶۰)

التاریوس نیز در توصیف کتاب نفیسی که دیده، می گوید: «بر جلد کتاب **سختیان** ( تیماج) سرخ

رنگ کشیده بودند که با نقوشی از گل و شاخ و برگ گیاهان و درختان و به طرز عالی و با طلا آرایش

شده بود.» (التاریوس، ص ۱۲۹) کتاب آرایبی **شاهنامه شاه تهماسب** و آثار دیگر هنری این عصر نیز

بیانگر حضور زرگران به ویژه صنفی بنام زرکوب در این عرصه است.

**نقاشی و زرگری:** نقاشی و زرگری برای عظمت بخشی به ابنیه به صورت توأم مورد استفاده بود..

التاریوس در توصیف آرامگاه شیخ صفی الدین در اردبیل می گوید: «... از میان راهرو طرف راست به

اطاقی بزرگ که با طلا بر روی دیوارهای آن نقش و تصویر انداخته بودند و شبیه عبادتگاه بود هدایت

شدیم ...» (التاریوس، ص ۱۲۹) از اشخاصی هم چون **محمد قلی بیگ** و **کلبعلی نادر** به عنوان زرگر و

نقاش در این دوره یاد شده است (نصرآبادی، ص ۳۲۹)



**چادر عباسی:** یکی از مهمترین آثار هنری دوره ی صفویه چادر عباسی است. مورخان از این چادر

در زمان شاه صفی و اهمیت آن یاد می کنند. (محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۳۰۹)

**روکش درب ها:** آلن<sup>۳</sup> در پژوهشی به مهمترین روکش نقره ای درهای دوران صفویه اشاره کرده و

با تأکید بر آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی در اردبیل، از تکنیک های ساخت و جزئیات آن یاد می

کند « در اول ماه رجب شاه عباس اول برای ساختن در و پنجره های خانقاه به فلز کاران چهار هزار

تومان داد. وی دستور داد که پنجره ها و درها همه از طلا و نقره ساخته شوند... قدیمی ترین آنها در

ورودی است که در سال ۱۰۱۱ ساخته شده و به در ذوالفقار خان معروف است. احتمالاً این در هدیه

ای از **ذوالفقار خان قربانلو** حاکم اردبیل بوده است که در سال ۱۰۱۸ اعدام شد. « **امیر خان**

**اردبیلی**، محمدحسن زرگر مهم ترین افرادی بودند که در روکش کردن درها از آنها نام برده است. او

پس از بررسی دقیق نقوش درها نتیجه می گیرد که تکنیک ها و نقوش موجود در روکش درها که در

قالی ها، قالی های ابریشم، پارچه ها و زری های آن دوره نیز دیده می شود از دوره شاه عباس اول به

بعد پیشرفت زیادی نمود. (ویژه نامه هنر ایران، صص ۴۲-۳۶) از دوره شاه عباس سه تحول عمده در

هنر زرگری ایران به وجود آمد که تأثیرات مهمی به جای گذاشت:

### (۱) ورود سنت زرگری هندی

**اسکندر بیگ** از هدیه شاه عباس به سلطان عثمانی یاد می کند که: « یک شمامه عنبر اشهب به

وزن یک هزار و هشتصد مثقال که زرگران نادره کار هندی در ظرف مشبک از هفت من طلای احمر

به فنون غریبه تعبیه نموده اند ... » (ترکمان، ج ۲، ص ۸۲۱) در ضمن از ایران نیز آثار زرگری به

هندوستان راه یافت از جمله هدایایی که شاه تهماسب اول برای نظام شاه حاکم هندوستان

می فرستد: «... الماسی از چهار مثقال و چهار دانگ و یاقوتی از سه مثقال و نیم لعلی از پنج مثقال و

---

<sup>۳</sup> J . W . Allan

یک قطعه زمرد و یک قطعه عین البقر به تحفه گذراندند که ... نواب اعلی آن الماس را جهت نظام شاه والی هند بر سر تاجی نشانده فرستاد.» (بوداق بیگ قزوینی، ۱۹۹۹، ص ۱۰۷)

## (۲) ورود زرگران و شیوهی زرگری اروپا به ایران

در سال ۱۰۶۵ ه.ق (دوره شاه عباس دوم)، شش صنعتگر فرانسوی که در میان آنها ساعت ساز و طلا ساز نیز بوده است با حقوق ناچیزی در حدود سی فنیک<sup>۴</sup> در سال در دربار کار می کرده اند. (والسر، ص ۶۳) از همراهان تاورنیه در سفر به ایران از زرگری یاد می شود که او با خود به ایران آورده. (تاورنیه، صص ۲۷۳-۲۷۴) همو در جایی دیگر از الماس تراش هلندی در اصفهان یاد می کند. (همان، ص ۴۷۲) وی همچنین به حضور زرگر ارلثانی در اصفهان و زرگری فرانسوی به نام سائین در دربار شاه عباس دوم اشاره می کند. (همان، ص ۴۸۲) سانسون از حضور زرگران فرانسوی و اعتبار آنان در دربار شاه سلیمان یاد می کند: «شاه مخارج تغذیه آنها را نیز که آنهم مبلغ زیادی می شود می پردازد و شاه بقدر این کارگران را دوست دارد و به کار آنها اهمیت می دهد که نمی خواهد بجز برای او برای دیگری کار کنند ...» (سانسون، ص ۳۴) در مورد حضور زرگران اروپایی در دربار شاه عباسی اول نیز اشاراتی در منابع وجود دارد. (نصراالله فلسفی، ۱۳۴۶، ج ۴، صص ۲۳۷-۲۳۸)

شاردن برای قیمت گذاری اشیاء طلایی مورد علاقه ی شاه سلیمان صفوی، به ارزیابانی از ارامنه و هندیان اشاره می کند که در قیمت گذاری جواهرات: «زرگر باشی سینی را که جواهرات منتخب شاهنشاه در آن قرار داشت به جلو کشیده و کار را از قطعات کوچک آغاز کرده، آهسته قیمت هر تکه را یکی بعد از دیگر از من (شاردن) سؤال می کرد آنگاه آنها را نخست به جواهر فروشان مسلمان و سپس به گوهریان ارمنی و هندی بهر هیأتی جداگانه نشان می داد و قیمت می کرد ...» (شاردن، ج ۳، ص ۱۷۹)

<sup>۴</sup> سی فنیک معادل ۱۰ تومان بود.

ظاهرا در دوره صفوی زرگران قابلی در کشور وجود نداشت به همین سبب شاهان صفوی از زرگران خارجی استفاده می کردند: « برای کارهای بزرگ در ایران هیچ زرگری یافت نمی شود . ظرف های طلا و نقره را هم مسگرها می سازند و تمام ظروفشان از سینی و قاب و بشقاب و غیره مدور هستند. ظروف بیضی هنوز نمی توانند بسازند، ... فعلا دونفر زرگر مینا کار در جزو مستخدمین شاه ایران هستند که هردو فرانسوی می باشند: یکی موسوم به سن و دیگری اتوال<sup>۵</sup> نام دارد که در اصفهان متولد شده است ... » (تاورنیه، صص ۵۷۸-۵۷۹)

### (۳) سیستم کارخانه و ارتباط زرگری با آن

« کارخانه عبارت از خانه دستگاههای تولیدی است که در آنجا قالی های اعلی از طلا و نقره یعنی زری و ابریشم و پشم و پارچه های زری اعلی و مخمل و تافته و سایر اقسام حریر بافته می شود، کارگران و صنعتگرانی هستند که شمشیر و زره و تیر و کمان و اسلحه های دیگر می سازند، نقاش های مینا کار و جواهر تراش و زرگری های چند نیز مشغول کار هستند...» (همان، ص ۵۷۸)

**سانسون** با اشاره به سیستم کارخانه در عصر شاه سلیمان به علاقه شاه از کارگران فرانسوی که بیشتر زرگر و ساعت ساز هستند یاد کرده و وضعیت حقوق ایشان را خوب توصیف می کند. (سانسون، ص ۹۳) **شاردن** با توصیف کارخانه های زمان شاه سلیمان اهمیت زرگران را تا آن حد می بیند که «سه یا چهار سال متوالی بدون ارجاع کاری از طرف شاه بوده اند و همچنان حقوق دریافت می کردند ... » (شاردن، ج ۷، ص ۱۰۶) حکام ایالات نیز کارخانه های برای مصارف خود ساخته بودن که در آن تعدادی زرگر، خیاط، اسلحه ساز، سراج و زین ساز حضور داشتند. (شاردن، ج ۹، ص ۱۸۳) در کارخانه های زمان شاه عباس اول زرگران حضور داشتند و در این کارخانه ها، کارگران خارجی کار می کردند. (فلسفی، ج ۴، صص ۲۳۷-۲۳۸) مولف **تذکره الملوک** به سیستم کارخانه، مشاغل و کارگران

<sup>۵</sup> L. Etoile متولد در اصفهان فرزند تاجر معروف فرانسوی اسحق بوته استوال بود که در اصفهان متمکن بود.

مختلف آن اشاره و از زرگر و ضراب و مینا کار به عنوان اجزای اصلی آن یاد می کند. (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸، صص ۲۲-۲۴ و ص ۷۱)

## د) جایگاه زرگران در حیات سیاسی عصر صفوی

با بررسی منابع دوره صفوی به اسامی رجال و صاحب منصبانی بر می خوریم که دارای شغل زرگری بوده و تأثیر زیادی در حیات سیاسی آن دوره داشته اند. از جمله مهم ترین زرگران دوره صفوی می توان به این افراد اشاره کرد:

امیر نجم زرگر که از جمله افراد **اهل اختصاص** در آغاز قدرت یابی شاه اسماعیل بود. به گفته **حسن روملو** او در همسایگی شاه اسماعیل (حوالی مسجد سفید رشت) دکان داشت و با تقدیم هدایا توجه شاه اسماعیل را جلب نمود. (حسن روملو، ۱۳۴۷، ص ۸) حسن سلوک و اعتبار صنفی او در جلب توجه و اعتماد شاه اسماعیل بسیار موثر بود. (سید حسن بی مرتضی حسینی استرآبادی، صص ۴۱-۴۲) وی با استفاده از درآمد شغلی خویش و نیز آنچه که بعد از مشاغل سیاسی بدان دست یافت به حدی از ثروت دست یافت که به گفته ی **سید حسن بن مرتضی**: «... عدد ملازمان خاصه او قریب به چهار هزار سوار یراق دار بوده اند. خزاین اموالش از حساب بیرون که هر روز صد رأس گوسفند شیلان مطبخ او بوده و ... ظروف مجلس او تمامی طلا و نقره و چینی بوده...» (همان، ص ۴۴) جدای از مناصب سیاسی، امیر نجم به قدری در تصمیم گیری های سیاسی شاه اسماعیل نقش داشت که شفاعت او در مورد متهمان مورد موافقت شاه قرار می گرفت. در سال ۹۱۳ ه. ق. شاه اسماعیل بعد از عزل **حسین بیگ الله شاملو**، امیر نجم را به این منصب سر فراز کرد. (راجرسیوری، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴ و سرور، ص ۶۷) هم چنین او گاهی اوقات وظیفه مهمانداری از سفرا را

---

<sup>۶</sup> ( شفاعت امیر نجم در مورد امیر حسام الدین پدر امیر دو باج و قبول آن از جانب شاه (عبدی بیگ شیرازی، ص ۴۴ و نیز نوایی ص ۳۰۹) و شفاعت امیر نجم در مورد علی کیا چلاوی و قبول آن از جانب شاه البته شاه ضمن قبول شفاعت، افراد قلعه ی او را قتل عام کرد. (غلام سرور، ۱۳۷۴، ص ۵۸)

داشت. (عالم آرای شاه اسماعیل، ص ۱۴۰) داستان مرگ وی از زبان مولف **عالم آرای شاه اسماعیل** گرچه به افسانه و تراژدی شبیه است اما بیانگر میزان ارتباط عاطفی و جایگاه و اعتبار سیاسی امیر نجم است. در هنگام انتصاب **یار احمد خوزانی اصفهانی** به وکالت به جای او، به وی گفت: «چون نام امیر نجم زرگر از خاطر نواب همایون ما محو نشود بنابراین مقرر فرمودیم که من بعد رئیس یار احمد را نجم ثانی بخوانند که او را ملقب به این خطاب فرموده ایم ...» (همان، صص ۳۱۳-۳۱۵)

**الله ویردی بیگ زرگر** که منصب زرگر باشی را در عصر شاه عباس اول صفوی داشت، جایگاه سیاسی بسیار والاتر از منصب زرگری اش داشت. آغاز زندگی سیاسی وی در اواخر حکومت **شاه محمد خدابنده** بود (فلسفی، ج ۱، ۱۳۳۴، ص ۱۱۰) و پس از آن به شاه عباس اول پیوست. نقش برجسته او در قتل مرشد قلیخان استاجلو، موجب اعتلای مرتبه او در دربار شاه عباس شد و به لقب سلطان و مقام امیری نایل آمد. (همان صص ۱۴۵-۱۴۶ و استرآبادی، ص ۱۴۴) در واقعه ی حرکت شاه عباس به سلیمانیه و مذاکره با خان یاغی قلعه ی آنجا به نام یعقوب خان، الله ویردی بیگ به همراه حسین خان برای مذاکره نزد وی رفته و او را به تسلیم شدن واداشتند. (افوخته ای نطنزی، ص ۳۲۴) به علاوه وی به عنوان سفیر شاه عباس به دربار استانبول اعزام گردید. (ملا جلال الدین منجم، ۱۳۶۶ ه. ق، ص ۱۰۷)

علاوه بر این دو شخصیت ممتاز در تاریخ صفویه که دارای شغل زرگری بوده اند، زرگران در حیات سیاسی دوره صفوی، گاه به جهت شخصیت فردی و خانوادگی شان و گاه به دلیل اعتبار حرفه ای شان، نقش برجسته ای ایفا نموده اند که به برخی از این موارد اشاره می شود:

### (۱) حضور در میادین جنگی

حضور زرگران در میادین جنگی به واسطه ی منصب و شغل زرگری یک ضرورت بوده است. در یک مورد **جالب ملا عبدالفتاح فومنی** به تبدیل نقره آلات زنان و بچه های لشگریان **روملو** اشاره کرده

که زرگران این نقره آلات را به آلات جنگی و گلوله تفنگ تبدیل تا بر **خوردار بیگ تفنگچی** بدان وسیله در برابر سپاه **کارگیا علی حمزه** مقاومت کند. (ملا عبدالفتاح فومنی گیلانی، ۱۳۴۹، ص ۱۷۰)

استاد **مستعلی زرگر ندیم** و جلیس شاه عباس اول صفوی که به گفته **ملا جلال الدین منجم** از « نادره عصر » بود در جنگ شاه عباس با عثمانی به سال ۱۰۱۴ ه . ق ، کشته شد. (منجم یزدی، ص ۲۹۵)

## (۲) اعزام زرگران به سفارت

علاوه بر سفارت امیر الله ویردی بیگ زرگر به استانبول از جانب شاه عباس اول که بدان اشاره شد، منابع به سفارت زرگران برای اعلام منصب جدید به یک صاحب منصب اشاره دارند (شاردن، ج ۷، ص ۳۱۸)

## (۳) زرگر در دربار سلاطین صفوی و حکام محلی

منابع دوره صفوی به زرگرانی اشاره کرده اند که به عنوان ندیم در خدمت حکام و سلاطین بوده اند و یا به حکومت ولایات منصوب شده اند. استاد **مستعلی زرگر** یکی از نزدیکان شاه عباس اول بود. (ملا جلال الدین منجم، ص ۲۹۵). ملا عبدالفتاح فومنی از **میرزا خلیلی زرگر رشتی** به عنوان ندیم و از **مقربان علی خان حاکم گیلان بیه پس** یاد می کند. (فومنی گیلانی، ص ۱۴۴ و ص ۲۴۹). شاه عباس یکم در سال ۱۰۰۳ ه . ق **الله قلی بیگ زرگر** باشی را به حکومت شیراز و توابع منصوب نمود. (ملا جلال الدین منجم، ص ۱۴۰) **الله ویردی بیگ زرگر** باشی مدتی حکومت گلپایگان را داشت. (استرآبادی، ص ۱۴۴)

## (۴) منصب زرگرباشی

یکی از حضورهای ثابت زرگرها در دربارها، مقام زرگرباشی بود. زرگر باشی بر امور زرگری و زرگران دربار، تعیین و ارزیابی قیمت هدایای گرانبها، ساخت و اجرای آثار و اشیاء طلایی و نقره ای ، روکش کردن و آبکاری فلزات دیگر با طلا و نقره و ... نظارت داشت. مولف **رستم التواریخ**، صاحب این

منصب را در ردیف مناصبی چون آخوند ملا باشی، حکیم باشی، منجم باشی، کاتب باشی و ... می داند. (محمد هاشم آصف، رستم الحکماء، ۱۳۴۸، ص ۱۰۰) یکی از وظایف اصلی این شغل که **تاورنیه** و **شاردن** به آن اشاره می کنند ارزیابی و تقویم قیمت جواهراتی بود که شاه و خانواده ی او از زرگران و جواهر فروشان خارجی و داخلی خریداری می کردند یا جواهرات از مد افتاده خود را به دیگران می فروختند. به گفته تاورنیه زرگر برای تقویم اشیایی که به شاه می فروختند ۲٪ حقوق قانونی دریافت می کرد. زرگر باشی تحت نظارت ناظر کل (یا اعتمادالدوله) انجام وظیفه می کرد و زیر دست او افرادی مانند میرزای سیاهه نویس، گوهریانی که هر کدام در شناخت یک نوع سنگ گرانبها تخصص داشتند و زرگرانی که در شناخت طلا و نقره مهارت داشتند، بودند. اینان کار تخمین و تقویم جواهرآلات را انجام می دادند. گاه در مورد جواهرات بسیار نفیس از گوهریان و زرگران خارجی خصوصاً هندیان و ارمنیان استفاده می شد. (تاورنیه، صص ۴۶۱ - ۴۵۷ و شاردن، ج ۳، صص ۱۱۹ - ۱۰۵ و صص ۱۸۰ - ۱۷۹) ظاهراً نظارت چندانی بر کار زرگران وجود نداشت. (تاورنیه، صص ۴۷۹ - ۴۷۲ و صص ۵۳۸ - ۵۳۶) اگرچه **معیر الممالک** بر امور زرگر باشی و ضرابخانه نظارت عالییه داشت اما این نظارت کلی و تا حدودی صوری بود. (میرزا سمیعا، صص ۲۲) حتی معیر الممالک ضرورتی نداشت در این شغل تخصص داشته باشد مثلاً **محمد بیگ** از **مهم ترین معیر الممالک های عصر صفوی** که ابتدا منصب معیر باشی و سپس در زمان شاه عباس دوم به منصب اعتمادالدوله ارتقا یافت در اصل پسر خیاطی از اهالی تبریز بود و خود نیز در خیاطی و اکتشاف معدن تخصص داشت. (تاورنیه، صص ۵۵۱)

#### ۵) زرگران و حیات اجتماعی و فرهنگی عصر صفویه

زرگران در حیات اجتماعی و ادبی دوره ی صفوی نقش قابل توجهی داشتند. با نگاهی به منابع ادبی دوره ی صفوی خصوصاً دو کتاب **تذکره ی تحفه سامی** و **تذکره نصر آبادی** به زرگرانی بر می خوریم که ضمن اشتغال به حرفه و هنر خویش در تاریخ ادبیات دوره ی صفوی نیز برای خود اعتباری کسب نموده اند از جمله ۱- **امینی تبریزی**: میرزا محمد امین تبریزی از جماعت زرگران تبریزی

است در کتاب **جواهر الاخبار** او را چنین معرفی کرده اند: « در شعر خود را قرینه خسرو<sup>۷</sup> و سعدی می پنداشت و از غزل سرایان معروف زمان به شمار می رفت. وی که در زمان شاه تهماسب اول صفوی می زیست به گاه پناه بردن **همایون میرزا** سلطان گورکانی هندوستان و با **یزید** فرزند سلطان سلیم عثمانی در وصف شاه تهماسب گفت:

شاهها شده بر اهل حقیقت معلوم      کز لطف دوازده امام معصوم

بردرگه عالی تو کردند پناه      گه خسرو ملک هند و گه قیصر روم (قزوینی، ص ۱۰۹ و

سام میرزا صفوی، ۱۳۲۴، ص ۲۳۸)

**۲- میر مرتضی زرگر** : مولف **تحفه سامی** او را از شعرای دوره شاه تهماسب می داند و در احوال او گفته اند: « از جمله سادات کاشانست دیوانه وش و سودایی مزاج بود وجنونش او را به کارهای عجیب می داشت این مطلع ازوست:

خط تو گرد خجالت بروی ماه فشاند      قد تو سرو روان را به خاک راه نشاند» (سام میرزا

صفوی، ص ۳۹)

**۳- مانی شیرازی** : او زرگری لطیف طبع در دوره شاه اسماعیل اول بود. ظاهرا به دربار او تقرب داشت و مدتی به سپاهی گری پرداخت اما «به سعایت امیر نجم ثانی زرگر ..... هدف تیر غضب گشته ...» (همان، ص ۱۱۳)

**۴- محمد کاظم زرگر**: پدر وی صراف و خود وی زرگری ماهر بود و در شعر به **طاهر** تخلص می ورزید در قصیده و هجو مهارت داشت. به گفته ی **نصر آبادی** در سال ۱۰۸۵ ه. ق در اصفهان در گذشت (میرزا محمد طاهر نصر آبادی، ۱۳۵۲، ص ۳۲۶).

<sup>۷</sup> منظور امیر خسرو و دهلوی (فوت ۷۲۵ه.ق) از شعرای فارسی زبان هندوستان است.



۵- **رشیدا** : « از تبارزه<sup>۸</sup> عباس آباد اصفهانست در فن زرگری و میناکاری مثل و در فن شعر هم باعتقاد خودش بیقرنیه بود فی الجملة خیالش غرابتی دارد ... به هند رفته و بعد از مدتی مراجعت نموده باعتبار صنعت به خدمت پادشاه کمال اعتبار داشت» (همان، ص ۳۸۹)

۶- **محمد قلی بیگ**: تخلص او در شعر **شاکر** بوده به گفته **نصر آبادی** : «از تبارزه ساکن عباس آباد اصفهان است و در فن زرگری و نقاشی بی مثل، طبعش موزون بود. (همان، ص ۳۹۲)

۷- **کلب علی** : در شعر **نادر** تخلص می کرد. در تذکره او گفته اند: « او هم زرگر و نقاش بوده و از تبارزه عباس آباد اما گویا اصلش اصفهان‌نویست زرگری را به مرتبه ای رسانیده که محسود **رشیدا** بود این رباعی از اوست:

آنی که مسیحات زبیمارانست      صد یوسف مصرت ز خریدارا نست

در دست تو خاتمی که جبرئیل آورد      انگشتر زنهار گنه کارانست» (همان، ص ۳۹۳)

۹- **سلیمان** : نام اصلی او **محمد شفیع** بود. به گفته **ی نصر آبادی** « در شبکه و طراحی طلا و نقره مانند ندارد و مقبول جمیع استادان است قدرتش در ترتیب نظم به مرتبه ایست که خود می گفت که اشعار ما به صد هزار رسیده است» (همان، ص ۴۲۴)

علاوه بر این افراد، از شعرای دیگری همچون **محمد صالح شیرازی**، **محمد باقر یزدی**، **مبدع**، **سعید**، **آقا زمان زرکش**، **ملاقسمت مشهدی** و **میرزا مقیم جوهری** نیز در منابع آن دوره یاد شده است.

تذکره نویسانی مانند **نصر آبادی** از انحرافات اخلاقی زرگران در آن دوره مطالب زیادی نقل کرده اند. (همان، ص ۳۲۳ و ص ۳۸۹) و نیز در پاره ای منابع از زرگران به عنوان اعیان و اشراف شهرها یاد شده است.<sup>۹</sup>

<sup>۸</sup> جمع جعلی تبریز

بازار زرگران در شهرهای مهم دوره صفوی توجه جهانگردان اروپایی را به خود جلب نموده است. **تاورنیه** در مورد بازار جواهر فروش های اصفهان می گوید: «در دو طرف درگاه بزرگی که ساعت روی آن است، روی پنج و شش صغه جواهر فروش ها نشسته بساط خود را پهن کرده اند؛ در یک سینی یاقوت و در سینی های دیگر زمرد و لعل و مروارید و فیروزه های سبک و کم قیمت گسترده و تمام آنها را روی نیم تختی چیده، پارچه حریر نازکی رویشان کشیده اند که هم جواهر پیدا باشد و هم از دستبرد طرازان محفوظ بماند ...» (تاورنیه، ص ۳۹۱) مولف **رستم التواریخ** نیز از بازارهای زرگری در چهار سوی قیصریه اصفهان تعریف می کند. (رستم الحکما، ص ۲۰۷) **کاری** بازار زرگران تبریز را که بدون شک یکی از مهمترین بازارهای زرگری ایران بوده می ستاید. (کاری، ص ۳۰) این بازار را **شاردن** هم دیده و آن را ستوده و از زیباترین بازارهای شهر تبریز می داند او در جایی دیگر به توصیف بازار شاه اصفهان و صنف زرگران آنجا می پردازد (شاردن، ج ۷، صص ۱۲۹-۱۳۰)

## نتیجه

هنر زرگری در دوره صفوی به دلایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رشد چشمگیری کرد. از نظر سیاسی، حاکمیت تمرکز گرا صفوی و ارتباط موثر خارجی به ویژه با اروپا، هند و عثمانی و نیز علاقه باطنی شاهان صفوی به زرگری و جواهرسازی موجب رشد این هنر شد. از جنبه اقتصادی، تامین امنیت و گسترش تجارت داخلی و خارجی موجبات ترقی این هنر را فراهم آورد و از منظر اجتماعی زرگران در مناسبات اجتماعی و سیاسی کشور تاثیرگذار بودند. حضور زرگرانی مانند **امیر نجم رشتی** و **الله ویردی بیگ زرگرباشی** در سطوح عالی اداری و سیاسی نشانه ی تأثیر زیاد این قشر در حیات سیاسی ایران دوره ی صفوی می باشد.

---

<sup>۹</sup> (سام میرزای صفوی از آقا شهاب زرگر به عنوان یکی از اعیان استرآباد یاد می کند که به دست میرقاسم که از شعرای زمان بود کشته شد: تحفه سامی ص ۱۱۳).

زرگران در حیات فرهنگی و اجتماعی و نیز شعر دوره ی صفوی دست داشتند. آنان همچنین از حوادث اجتماعی و ناملایمات زمان از جمله مهاجرت به هندوستان به دلیل سیاست های دینی بر کنار نماندند.

در تکنیک ها و آثار، هنرزرگری ایران به قدری فاقد ظرافت هنری بوده که توجه ناظران غربی را به خود جلب نکرده و چنین می نماید که تا قبل از سلطنت شاه عباس اول صفوی که پای هنرمندان خارجی آن چنان به ایران باز نشده بود این هنر هنوز بر مبانی سنتی خود که در دوره ی تیموری اندکی تحول به خود دیده بود. استوار بوده است. با اینحال نشانه ایی از تحول هنر زرگری در شیوه و تکنیک از زمان شاه عباس اول به بعد در منابع ذکر شده است. از جمله این تحولات می توان به ترکیب مینا و زر و تمایل به تراش الماس در این دوره اشاره کرد. انحصار مواد اولیه ی این صنعت به حاکم و صاحبان قدرت و حرکت استادان بزرگ این صنعت همراه حاکم و در دوره ی صفوی همگام با انتقال پایتخت از دیگر عوامل موثر در حیات این هنر می باشد.

## منابع و مأخذ

الف) منابع

- آصف، محمدهاشم (رستم الحکماء) (۱۳۴۸) *رستم التواریخ*، به کوشش محمد مشیری، تهران: بی نا.
- استرآبادی، سید حسن بی مرتضی حسینی (۱۳۶۴) *تاریخ سلطانی* (از شیخ صفی تا شاه صفی)، به کوشش دکتر احسان اشراقی، تهران: علمی.
- اصفهانی، محمد معصوم بن خواجگی (۱۳۶۸) *خلاصه السیر*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.
- افوخته ای نطنزی، محمود بن هدایت الله، (۱۳۷۳) *نقاوه آلتاریفی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه*، به کوشش دکتر احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی، چ دوم..

- الثاریوس ، آدام، (۱۳۶۳) *سفرنامه آدام الثاریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار.
- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۳۶)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری (ناظم الدوله)، تجدید نظر و تصحیح دکتر حمید شیرانی، اصفهان: تأیید، چ دوم.
- ترکمان ، اسکندر بیگ، (۱۳۵۰)، *تاریخ عالم آرای عباسی* (ج۲) ، تهران: امیرکبیر، چ اول.
- روملو، حسن، (۱۳۴۷) *احسن التواریخ*، ترجمه چارلز نارمن سیدن، تهران: کتابخانه شمس، چ اول.
- سانسون، (۱۳۴۶)، *سفرنامه سانسون*، ترجمه دکتر تقی تفضلی، تهران: بی نا، چ اول .
- شاردن، (ج۲، ۱۳۳۶، ج۳، ۱۳۳۶، ج۷ و ۱۳۴۵، ۹)، *سیاحت نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیر کبیر.
- شیرازی، عبدی بیگ (نویدی)، (۱۳۶۹) *تکمله الاخبار*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی، چ اول.
- صفوی ، سام میرزا، (۱۳۲۴) *تحفه سامی*، به کوشش وحید دستگردی، تهران: ارمغان، چ اول .
- *عالم آرای شاه اسماعیل*، (۱۳۴۹) به کوشش اصغر منتظر صاحب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ اول.
- فیگوئروا، دن گارسیداسیلوا، (۱۳۶۳) *سفرنامه فیگوئروا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، چ اول .
- قزوینی، بوداق بیگ (۱۹۹۹ م) ، *جواهر الاخبار*، ترجمه محمد رضا نصیری و کوئیچی ها نه دا، ترکیو: مؤسسه مطالعات فرهنگ ها و زبان های آسیا و آفریقا، چ اول.
- قزوینی، ملا عبدالنبی فخر الزمانی، (۱۳۶۳) *تذکره میخانه*، به کوشش احمد گلچین معانی، تهران: اقبال، چ چهارم.
- کارری ، جووانی فرانچسکو جملی، (۱۳۴۸) *سفرنامه کارری*، ترجمه دکتر عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، چ اول .
- گیلانی، ملا عبدالفتاح فومنی، (۱۳۴۹) *تاریخ گیلان*، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران،
- منجم، ملا جلال الدین (۱۳۶۶ ه. ق) *تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال*، به کوشش سیف الله وحید نیا، تهران: وحید، چ اول .
- میرزا سمیعا، (۱۳۷۸) *تذکره الملوک* ( سازمان اداری حکومت صفوی با تعلیقات مینورسکی)، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر، چ سوم.

- نصر آبادی، میرزا محمد طاهر، (۱۳۵۲) *تذکره نصر آبادی*، به کوشش وحید دستگردی، تهران، فروغی، چ اول .

#### ب) مآخذ و تحقیقات

- آلن، جی، دبلیو، *روکش های سیمین درهای دوران صفوی*، ترجمه شیرین جعفری، روزنامه ی ایران، هنر ایران

ضمیمه روزنامه ایران: شماره ششم، فروردین ماه ۱۳۸۱ .

- پژوهش از دانشگاه کمبریج، (۱۳۸۰) *تاریخ ایران دوره صفویه*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، چ اول.

- پژوهش از دانشگاه کمبریج، (۱۳۷۹) *تاریخ ایران دوره تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، چ اول.

- دیماندا، س . م. (۱۳۶۵) *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی، چ دوم.

- زکی، محمد حسن، (۱۳۳۲) *صنایع ایران بعد از اسلام*، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: اقبال، چ اول .

- سرور، غلام، (۱۳۷۴) *تاریخ شاه اسماعیل صفوی*، ترجمه محمد باقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران: مرکز نشر

دانشگاهی، چ اول.

- سیوری، راجر. م. (۱۳۸۲) *تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی* (مجموعه مقالات)، ترجمه محمد باقر آرام و

عباسقلی غفاری فرد، تهران: امیرکبیر، چ اول .

- شوستروالسر، سیبلا، (۱۳۶۴) *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپائیان*، ترجمه دکتر غلامرضا ورهرام،

تهران: امیرکبیر، چ اول .

- طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۴۹) *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس*، تهران: شرکت

سهامی کتابهای جیبی، چ اول.

- فلسفی، نصرالله، (ج ۱، ۱۳۳۴، ج ۴، ۱۳۴۶)، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران: ج ۱، انتشارات کیهان، ج ۴، دانشگاه تهران.

- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۸) *شاه اسمعیل صفوی* (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی) تهران: ارغوان، چ اول .

## The art of goldsmiths and goldsmith during the Safavid period

Korosh Fathi, [assistant professor](#) of University Farhangian

### **Abstract**

One of the important periods of Iranian history about the course of art and its evolution is the Safavid period. The establishment of relative security, encouragement, and sometimes the artisanship of the Safavid rulers and the constant linkage with the West and the East played a major role in this process.

The goldsmith's art is one of the most obscure arts in the entire historical period of Iran. The reason for this is the diverse use of gold and silver, watering gold and silver objects and damaging the length of time to these works. However, goldsmith artists have played a significant role in the political and cultural conditions of the Safavid period while their specific techniques. The questions that this research seeks to answer are: The role and importance of goldsmiths in the political, social and cultural life of Iran. What was the Safavid period? What did the art of goldsmiths experience in this period?

In this research, it has been tried to identify the position of goldsmiths and goldsmith in the social and economic life of the Safavid period using the historical research method and with emphasis on the study of the trend.

### **Keywords**

**goldsmiths , goldsmith, Safavid period, decorative arts.**